

کوششی در مورد
شناسائی آثار حضرت نقطه اولی^۱
بر اساس طبقه‌بندی

دکتر محمد افنان

حضرت نقطه، اولی در باب شانزدهم از واحد سوم کتاب بیان چنین فرموده: «اذن داده شده که نظم بیان را هرکس به هر نحوی که شیرین تر می‌تواند دهد اگرچه بر هزار نوع ظاهر شود... بهترین نظم‌ها نظم‌ها است که بر حدود ظاهریه شود... خلط انهار خمسه نکردد. آیات در علو خود و مناجات در سمو خود و تفاسیر در مقعد عز خود و کلمات در افق قدس خود و کلمات فارسیه در امتناع ارتفاع خود» که اگرچه مقصد اصلی از این بیان، مقدمه‌ای در بشارت به ظهور من یظهره الله است^۱ مع ذلك متضمن امر به تدوین و فهرست نگاری بر آثار مبارکه است و این مطلب در موارد دیگری نیز در کتاب بیان آمده است.

چنانکه می‌دانیم نزول و صدور وحی از مظاهر ظهور تابع قوانین معموله و مدونه، فکر انسانی نیست زیرا اصولاً فکر بشر بر اساس کیفیت استدلالی و منطقی آن مایل به طبقه‌بندی و ترکیب و ترتیب مقدمات و مقارنات و نتایج و بالاخره تدوین آراء فلسفی و عقلانی است. ولی وحی و الهام نازله از مظاهر حق، حالت و کیفیت اشراقی و الهی دارد که اگرچه منطقی متکی به اصول و نظامی مخصوص به خود است مع ذلك غیر مقید به علوم و معارف تجربی و نظری انسان است و اگرچه زبان و فرهنگ بشری را به عنوان وسیله، بیان بکار برده و می‌برد، اساساً از فیضان روح قدسی سرچشمه می‌گیرد. اینست که در هنگام دقت و تمعن در آیات الهی در می‌یابیم که مطالب و نکات متعدده، روحانی و عرفانی و وجدانی در جملاتی کوتاه و صفحاتی محدود گنجانیده شده و غالباً رعایت آداب و ترتیبی در آن دیده نمی‌شود. اما با دقت نظر متفکران، چه مایه دقائق و نکات بدیعه، متنوعه از آنها استخراج می‌شود و چنانکه مشاهده شده سال‌ها و قرن‌ها بعد از صدور، همچنان صاحب‌نظران را الهام می‌بخشد و به مطالب و حقائق جدیده راه می‌گشاید. طبیعتاً چنین خصوصیتی سبب می‌شود که آثار وحی و الهام مقید به قوانین متداوله، نگارش و انشاء کلام نباشد و مقدمه و بحث و نتیجه‌گیری بر اساس معمول را برتابد و با آنکه انسجام و ارتباط مطالب

محفوظ مانده، قوالب قراردادی بحث و استدلال در آن ساحت متروک و بی‌حاصل شود. این خود یکی از عوامل تفاوت و امتیاز آثار الهی است و به همین سبب قلوب صافیه را می‌رباید و آنان را به اعجاز آیات متیقن می‌سازد، زیرا از مختصات کتاب تدوین بلکه کیفیت مخصوصه، آن اعجاز است. اهل بصیرت و انصاف این تمایز را هر جا ببینند می‌شناسند. اینست که بسیاری از مؤمنین اولیه در هنگام ظهور حضرت نقطه همان لحن و بیان قرآن را به گوش جان شنیدند و در هنگام زیارت آثار جمال اقدس ابهی نیز همان شأن و جلوه آثار دور بیان را زیارت کردند.

با این مقدمه می‌توان دریافت که طبقه‌بندی آثار مبارکه تا چه حد دشوار است و اگر به مبالغه و اغراق تعبیر نشود تا چه پایه ممکن است به اصالت و جامعیت کلمات الهیه که در قالب الفاظ مخصوصه افراغ شده و هر کلمه از آن از فؤاد مظهر حق به اراده، مطلق جا و مفهوم خاص را احراز کرده لطمه بزند. مشکلی که در طول تاریخ ادیان در گذشته بارها به شکل‌ها و کارها صورت گرفته و حقیقت تعالیم را از اوج خلاقیت و روحانیت خود به سطح توجیهاات و نظرات بشری پائین آورده است و اگر قسمتی از این تعبیرات و تفاسیر که حاصل سعی و تقلای فکری گذشتگان است به عز قبول دو مظهر مقدس الهی در این دور بدیع مزین نمی‌شد بیم آن بود که همه این کوشش‌ها که صرفاً برای تسهیل فهم و درک حقائق روحانی بوده عبث شناخته شود. اما بی‌گمان نیت خیر و آرزوی تمعیم برکات نازله در کلمات الهیه بوده که کوشش‌های اهل علم و در نتیجه بسیاری از آن تحقیقات و تفسیرات را به ثمر رسانده است و به تأیید حق و حقیقت ممتاز ساخته است. متأسفانه میزان نتایج زیان بخش و حسرت بار توجیهاات بسیاری از کسان که به اسم علمای دین به طبقه‌بندی و ترتیب و تعریف و تفسیر و تفهیم کتب مقدسه پرداختند بیش از آنان است که به خدمتی توفیق یافتند. علت این محرومی و ناکامی که خودپسندی و ادعای ما انزل الله بها من سلطان مدعیان انحصار علم و عرفان بود از بحث خارج است اما نتایج حسرت بار آن منحصر به انکار موعود در هر دور و ظهوری نیست و باید از اثر منفی این نوع تحقیقات در روح اکثریت جامعه انسانی و تنفر و گریز آنان از مبانی روحانی و الهی و بالاخره وزر و وبال اختلاف و تفرقه و تنافر ارباب ادیان نسبت به یکدیگر نیز یاد نمود.

مقصود از این مقدمه که منطق و احساسات در آن بهم پیوستند این نیست که یکباره هر گونه مطالعه و تحقیقی در این باره غیر لازم شمرده شود ولی باید به این دو نکته توجه داشت که اولاً هر کوششی در این باره صرفاً برای تهیه، مقدمات آشنائی با آثار است و هرگز نباید بر اهمیت آن تأکید نابجا کرد بلکه همواره باید متذکر بود که اصل، کلام الهی است و هر گونه طبقه‌بندی و تقسیم و بحث و توضیح و بیان مطلب و تحشیه و تبویب و تقریر و تحریری که از افکار افراد نبغان کند فرع و مستظل در ظل آن. ثانیاً مطلبی که از همه جهات حائز اهمیتی خاص است ضرورت زیارت و مطالعه و فراگرفتن اصل آثار و انس با آن و اغتماس در آن بحر فیاض است و این مقصد شریف جز با تلاوت صبح و شام میسر نخواهد شد. لازم به توضیح نیست که لطائف لسان نزولی که مبتنی بر فرهنگ و ادبیات فارسی و عربی است فقط نصیب کسانی است که به این دو زبان آشنا هستند. اهل ایران که به شرافت انتساب به زادگاه این امر مبارک مفتخریم از نعمتی

برخورداریم که همه اهل عالم از آن بی‌نصیبند مگر آنکه زبان آثار مبارکه را فرا گیرند .
 اما در مورد تقسیم بندی آثار حضرت نقطه، هیکل مبارک شخصاً اصول و موازینی تعیین فرموده
 و آن را به «شئون خمس» یا «انهار خمس» نامیده‌اند.^۲ علت تعیین عدد پنج گرچه در مورد
 شئون آثار صراحتاً در جایی ذکر نشده ولی احتمالاً بنا بر سابقه مذکور در آثار، اشاره به حرف
 هاء و کلمه باب است که به حساب ابجد ارزش عددی آنها پنج است و از حرف هاء مقصود
 اصطلاح هویت است.

شئون پنجگانه، مزبور بر اساس کتاب بیان ذیلاً ذکر شده است. حضرت نقطه هر يك را با
 یکی از نعمای بهشت تطبیق فرموده‌اند. البته این تبیین و تطبیق حکایت از تأویل بشارات کتب
 مقدسه دارد.

آیات: «ماء غیر آسن رضوان»^۳ «حجّت عظمی و بینة کبری که دلالت نمی‌کند الا

علی الله وحده»^۴ یعنی کلام الهی به لسان مظهر ظهور خطاب به عموم.

مناجات: «لین لم یتغیّر طعمه»^۵ یعنی زبان توسّل و توجّه بندگان به آستان حقّ. از

اشارات کتاب بیان مستفاد می‌شود که مناجات مخصوص رسول الله^۶ است و در
 رجعت از لسان مظهر ظهور (حضرت نقطه) صادر شده است.

تفاسیر: «خمر حمر»، «خمر توحید»^۷، متضمّن تفسیر و تأویل آیات قرآنی و احادیث

پیغمبر و ائمه.

صور علمیّه: «عسل مصفی»^۸، متضمّن مباحث کلامی و فلسفی و دلائل مربوط به اصول

اعتقادات.

کلمات فارسیّه: «بعینه مثل شئون آیات است... و اگر کسی در کلمات فارسی به عین فؤاد نظر

کند فصاحت آیات را بعینها مشاهده می‌نماید»^۹ و مجموعه خصوصیات شئون

مختلفه را می‌توان در آن ملاحظه نمود.

اگر برای درک دقائق مطلب مربوط به شئون خمس به بیان مراجعه کنیم^{۱۰} مطالب زیر مستفاد

می‌شود:

شئون مختلفه، آثار چهار است که آیات و مناجات و تفاسیر و صور علمیّه اند و همه به زبان

عربی است که «افصح از کلّ السن است»^{۱۱} ولی نظر به تفضّل الهی، به کلمات فارسیّه شأن پنجم

اطلاق شده تا از سعء فضل و رحمت حقّ کسی از شناسائی مظهر ظهور محروم نماند. اینست که

تالی مقام آیات شمرده شده و در موارد مختلفه متضمّن مفاهیم شئون اربعه، آیات است.^{۱۲} در بین

آثار حضرت نقطه خطب فراوان نیز موجود است و این اسم در موارد متعدده بر قسمتی از کلمات

حضرتش اطلاق شده است. محققین گاهی آن را به عنوان صورتی از آثار، همراه مناجات ها

طبقه‌بندی کرده و گاهی از آن به عنوان صور علمیّه نام برده‌اند. نکته اینجاست که خطبه ها

شباهت زیادی به مناجات دارند با این تفاوت که مناجات معمولاً راز و نیاز بنده با مولای خویش

است ولی خطبه ذکر و ستایش مولی و محبوب به لسان حال بنده است و عموماً متضمّن تسبیح و

تمجید و تحمید ذات باری تعالی است که به لفظ و ضمیر غائب از او یاد می‌شود. شك نیست که در

مواردی که خطب صرفاً در توحید و تکبیر ذات الهی انشاء شده باشد وجوه اشتراك آن با مناجات بسیار است. اما در عین حال ممکن است به علت ذکر و بیان نکات کلامی و فلسفی در ضمن ذکر صفات و کمالات الهی نوعاً جزو صور علمیه نیز منظور گردد زیرا شئون علمیه آثار عموماً درباره مبادی اعتقادی و مبانی روحانی است.

خطب به اعتباری جزء جدائی ناپذیر آثار حضرت نقطه است زیرا عموم آثار، اعم از تفاسیر و رسالات و تواقیع همواره با خطبه‌ای آغاز می‌شوند.

نام بیان عنوان عام همه آثار حضرت نقطه است^{۱۳} و در قرآن نیز به آن اشاره و بشارت داده شده است.^{۱۴} این اصطلاح اگرچه بعد از نزول کتاب بیان رسماً بکار رفته و عنوان آثار شده مع ذلك در آثار اولیه نیز مکرر معمول بوده است.^{۱۵} ترتیب فوق که بر اساس هدایت حضرت نقطه اولی و مقتبس از کتاب بیان است، بر مبنای کیفیت خطاب و نحوه بیان مطالب است. اما آثار مبارکه را می‌توان بر مبنای ضوابط دیگری نیز طبقه‌بندی نمود که ذیلاً آمده است.

مختصات تألیف و ترتیب: آثار حضرت نقطه را از جهت شروع و ختم اثر و روش بسط و توضیح مطلب می‌توان بدین نوع معرفی نمود که عموماً هر اثر با خطبه‌ای در ستایش ذات الهی و مظهر ظهورش آغاز می‌شود و پس از طرح و توجیه و تفصیل موضوع اکثراً به آیه یا آیاتی در ذکر خدا به پایان می‌رسد. در آثار مبارکه مخصوصاً آثار اولیه، آیه پایان اثر غالباً به صورت «سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين»^{۱۶} می‌باشد.

آثار مبارک عموماً مشحون به شواهد قرآنی و احادیث است که گاهی با ارائه مدرک سلسله روایت و مأخذ صریح نقل شده (تفسیر سوره، کوثر) و گاهی ضمن اشاره کلی به مأخذ، به متن آیه و حدیث استشهاد شده (اکثر تفاسیر و شئون علمیه) و بالاخره گاهی با آیات نازله عجین گشته و در ضمن بیانات حضرتش مجدداً نازل گردیده است (تفسیر احسن القصص). افتتاح کلام در آثار حضرت نقطه، اولی بسیار متنوع است. چنانکه می‌دانیم در اسلام عموماً «بسم الله الرحمن الرحيم» و بعضاً «هو» و یا ترکیباتی از آن همراه با اسامی جلاله معمول بوده ولی در امر بدیع، در اکثر آثار اوائل «بسم الله الرحمن الرحيم» و در آثار نازله، بعد از کتاب بیان غالباً «بسم الله الامن الاقدس» معمول شده است. با اینهمه عناوین متنوع و فراوان دیگری نیز موجود است که استقصای آن از بحث فعلی خارج می‌باشد. شروع آثار یا مطلع اثر اکثراً با کلماتی مانند «الحمد لله الذی»، «سبحان الذی»، «سبحانك اللهم» آغاز می‌شود که حاکی از شأن خطبه یا مناجات می‌باشد.

عناوین آثار متناسب شأن مربوطه بعضاً تفسیر، شرح، مناجات، خطبه، رساله یا سوره می‌باشد. اما آنچه خطاب به افراد است عموماً به نام تواقیع معروف است. اصطلاح توقیع اساساً به مفهوم توشیح و تأیید احکام و اوامر شاهانه به وسیله آراستن آن به مهر و امضای پادشاه است و در دوره اخیر شیعه، پس از ارتحال امام یازدهم، به آثار منسوب به حجت غائب عنوان توقیع اطلاق می‌شده است. در این مقام اصالت آن مکتوبات مورد بحث نیست. اما این کلمه که در بین جامعه شیعه حکایت از ابلاغات امام می‌نموده برای اهل ایمان قرینه مناسبی بوده تا من غیر

مستقیم قائمیت و مرجعیت حضرت نقطه را اظهار و تثبیت نمایند و اعتقاد و ایمان خود را اظهار دارند. با اینهمه باید توجه داشت که حضرت نقطه شخصاً این عنوان را به هیچ یک از آثار خود اطلاق نفرموده‌اند.

آثار حضرت نقطه اکثراً به زبان عربی و استثنائاً به زبان فارسی است. اهم آثار فارسی بیان، دلائل سبعة، بعضی توقیعات خصوصی علی الخصوص خطاب به عائله، مبارک، رساله عدلیه و آثار معدوده دیگر است.

در آثار مبارکه از زبان عربی به علت بسط و وسعت آن تجلیل شده است.^{۱۷} و یکی از علل نزول وحی به آن زبان احتمالاً همین قابلیت روحانی آن است که تا حد زیادی مدیون ظهور اسلام است. اهمیت زبان عربی را در حوزه اسلامی آن نباید فراموش کرد و به همین جهت نیز عنوان «لغت جنت» به آن اطلاق شده است.^{۱۸} و مظهر ظهور که در مرحله اولی مخاطبین کلام مبارکش اهل ایمان از ملت اسلام بودند ضرورتاً به زبان آنان تکلم فرموده است.

محتوی و مطلب آثار: بررسی مطالب آثار شامل دو بحث است. نخست کیفیت ترکیب الفاظ و جملات و روشی که برای اظهار مطلب و القاء کلمه برگزیده شده و این موضوع اگرچه با شئون آثار که قبلاً ذکر شد رابطه، مستقیم دارد با اینهمه در مفهوم کلی تر ممکن است به یکی از صور زیر باشد.

متون آثار گاهی کلام الهی است، گاهی گفتار مظهر ظهور است، و گاهی مطلبی است که بصورت نقل حقیقت اظهار شده و توجه مطلقاً معطوف به مطلب گشته و از گوینده منصرف است. در چنین موردی معمولاً شواهد و نقل اقوال از دیگران سهمی بسزا دارد. در آثار حضرت نقطه چنانکه قبلاً اشاره شد شواهد قرآنی و احادیث فراوان است. با اینهمه گاه‌بگاه شواهدی از امثال و اشعار شعری عرب و ایران نیز می‌توان یافت. از قلم حضرت نقطه گاهی نیز اشعاری در استقبال دیگران صادر شده است.^{۱۹} با اینهمه باید توجه داشت که تعداد این نمونه‌ها معدود است.

مطلب دوم راجع به مباحث و مواضعی است که در آثار مبارک وارد شده. جهان‌بینی ادیان علی الخصوص در امر بدیع بابی و بهائی شامل دامنه، وسیعی از مسائل فلسفه، وجود، فلسفه، حیات انسان، مسائل اخلاق و ملکات اخلاقی و سلوک روحانی، مسائل مربوط به آداب و وظائف شخصی، فردی و جمعی و بالاخره مباحث نظام اجتماعی است که علی الخصوص بحث اخیر در ادیان که جنبه الهی و فوق بشری دارد همواره با بشارات و اشارات در خصوص آتیه پیوندی ناگسستنی دارد. مشکل بتوان آثار حضرت نقطه را مستقلاً بر مبنای این مباحث طبقه‌بندی نمود زیرا در موارد مختلف و متون مختلف هر یک از این مطالب از دیدگاهی مخصوص مطرح شده است. شاید بتوان به اعتباری کتاب مستطاب بیان، مخصوصاً بیان فارسی را مجموعه، نسبتاً کاملی از همه، این مباحث دانست. لذا عجب نیست که از آن به ام کتاب یاد شده است. قیوم الاسماء نیز با کتاب بیان خصوصیات مشترک زیادی دارد و آن را می‌توان بیانی قبل از کتاب بیان بشمار آورد.

نکته، دیگری که راجع به مطالب آثار حضرت نقطه می‌توان اشاره کرد کیفیت صراحت یا تلویح در بیان مطالب است و این موضوع با زمان نزول و مخاطبان آثار بستگی فراوان دارد. در بسیاری

موارد نظر به عدم استعداد و آمادگی مخاطبان، مطالب به اسلوب اعتقادات مخاطب است و فقط اهل اصطلاح و آشنایان به کلام مبارک می‌توانستند پیام مندرج در آن را دریابند. شاهد این مورد آثار دوره اولیه است که در آن، محور مطالب تجلیل آل الله در دور اسلام است. قیوم الاسماء در نظر اهل احتجاج منحصرأ دربارہ، حجت موعود و آداب و اصول عقائد و فرائض اسلامی است. اما برای اهل یقین مانند ملاحسین استعارات و اشاراتش اگرچه حجاب و پرده چشم و دل محتجبان است اما صریحاً از آنها مقام باب الله و ذکرالله مستفاد می‌شود. اندراج و انطواء آیات قرآنی در آیات قیوم الاسماء و اطلاق لفظ قرآن به آن سفر جلیل همه حاکی از حقیقت مستقل ظهور است که در ورای ظاهر قرآنی آن نهفته می‌باشد.

در دوره اولیه سوق مطالب آثار عموماً، به ظاهر دربارہ پیغمبر اکرم و خاندان مکرم اوست. اما پس از صدور کتاب بیان و تبیین صریح معانی رجعت و قیامت یکباره عطف مطلب به نقطه بیان و من ینظره الله متوجه می‌شود.

مخاطبان و زمان نزول: تعیین و طبقه‌بندی آثار بر حسب زمان نزول و مخاطب، از آن جهت که ما را به عوامل تاریخی مربوط به اثر و در نتیجه درک و فهم بهتری از آثار هدایت می‌نماید حائز اهمیت است. آثار مبارکه را از این جهت می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

اول - آثاری که نزول آن در عالم غیب الهی یعنی فؤاد مظهر ظهور مقدر بوده و اساس امرالله در آن بنیاد شده است مانند قیوم الاسماء، کتاب بیان، کتاب الروح، تفسیر سوره بقره و خطابات به سلطان ایران و عثمانی و حاجی میرزا آغاسی و عده‌ای از رجال و علماء که بعضی برای تأسیس امر و شریعت است و بعضی برای ابلاغ کلمه و اتمام حجت می‌باشد.

دوم - آثاری که در جواب طالبان نازل گردیده و اگرچه طبیب الهی هر آنچه لازم بوده اظهار فرموده، مع ذلك متضمن جواب تقاضاهای سائل نیز بوده است. از آثار عمومی در ذیل این گروه تفاسیر کوثر، والعصر و رساله نبوت خاصه را به عنوان نمونه می‌توان نام برد. از آثار خصوصی، تعداد فراوان جوابهای نازله برای افراد مختلف از مؤمنان و غیرمؤمنان است که انواع مطالب کلامی، فلسفی، روحانی، شرعی، اخلاقی و شخصی در آنها تبیین شده و در بسیاری موارد به لحن مناجات نازل گشته است و جواب را نیز متضمن می‌باشد. متون آثار بعضاً در متن یا خاتمه تاریخ دارند و یا ذکر محل نزول در آنها آمده است. حضرت نقطه شخصاً فهرستهای بر آثار مبارکه مرقوم فرموده‌اند. این فهرستها منحصر به دوره شیراز است و تا بحال فهرستی دربارہ ادوار بعد از شیراز زیارت نشده است.

یادداشتها

۱- بشارت به امر حضرت بهاءالله در همین باب در آیه «طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله و یشکر ربّه...» آمده است.

۲- واحد سوم، ابواب ۱۶ و ۱۷، کتاب بیان فارسی.

۳- واحد دوم، باب ۱۵، کتاب بیان فارسی، سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۵، قرآن.

۴- واحد ششم، باب ۱، کتاب بیان فارسی.

- ۵- واحد دوم، باب ۱۵، کتاب بیان فارسی، سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۵، قرآن.
- ۶- واحد سوم، باب ۱۶، کتاب بیان فارسی. از مطلب مذکور در کتاب بیان در این خصوص می‌توان استنباط کرد که صدور و تقریر مناجات، خاص مظاهر الهی است و اهل ایمان باید به تلاوت آن کسب فیض کنند. تعدد و تنوع مناجات و زیارات در آثار حضرت نقطه اولی مؤید این نظر است.
- ۷- واحد دوم، باب ۱۵، کتاب بیان فارسی، سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۵، قرآن.
- ۸- واحد دوم، باب ۱۵، کتاب بیان فارسی، سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۵، قرآن.
- ۹- واحد دوم، باب ۱۵، کتاب بیان فارسی.
- ۱۰- واحد دوم، ابواب ۱۴ و ۱۵، و واحد سوم، ابواب ۱۶ و ۱۷، واحد چهارم، باب ۱۰، واحد ششم، باب ۱، واحد نهم، باب ۲، کتاب بیان فارسی.
- ۱۱- واحد دوم، باب ۱۴، کتاب بیان فارسی.
- ۱۲- «کتاب الاسماء» که گاهی به «اسماء الله چهار شأن» نیز نامیده شده فقط متضمن چهار شأن از شعون آثار یعنی بدون کلمات فارسیه است. ولی «پنج شأن» همه شعون را دارد.
- ۱۳- واحد سوم، باب ۱۷، واحد ششم، باب ۱، کتاب بیان فارسی.
- ۱۴- سورة الرحمن (۵۵)، آیه ۴، سورة القيامة (۷۵)، آیه ۱۰۹. دقت در آیات فوق نکته‌ای را بخاطر می‌آورد که حائز اهمیت است. در سورة الرحمن (الرحمن. علم القرآن. خلق الانسان. علمه البيان). لفظ بیان مرادف و بعد از قرآن ذکر شده است. اگر این دو لفظ (قرآن و بیان) صرفاً به مفهوم مصدری منظور گردد نوعی تناقض منطقی در مطلب بوجود می‌آید زیرا تعلیم قرآن قبل از خلق انسان آمده و این خلاف نظام فکری و نظم کلام الهی است و اگر قرآن به مفهوم اسم خاص بر کتاب الهی گرفته شود بیان را نیز می‌توان به همین مفهوم دانست و اسم کتاب تنزیل در دوره بعد شمرده. علی الخصوص که ترتیب مطلب در این صورت ظرافت و اصالت مخصوصی خواهد داشت چه که حاکی است که خداوند رحمن قرآن را تعلیم فرمود و وسیله هدایت قرار داد و به آن، خلق صفات انسانی فرمود و دیگر بار بیان را تعلیم فرمود تا تجدید هدایت فرماید. آیات بعدی سوره مزبور کلاً حکایت از تجدید ایام و رستاخیز روحانی دارد.
- در مورد سورة القيامة نیز همین نکته حائز اهمیت است. سوره مزبور کلاً درباره قیامت معهود است. حق تعالی رسول مکرّم خود را از بیان حقیقت معانی و مطالب کتاب درباره قیامت بر حذر می‌دارد: «لا تحرك به لسانك لتعجل به.» (آیه ۱۷). و سپس صدور و نزول آیات مربوط به آن را وعده می‌فرماید و آن را قرآن می‌نامد: «ان علينا جمعه و قرآنه. فاذا قرأناه فاتبع قرآنه.» (آیه ۱۸). و بالاخره بیان حقیقت آن را وعده می‌دهد: «ثم ان علينا بيانه.» (آیه ۱۹). این نکته که مفاهیم اشارات و بشارات قرآنی درباره قیامت بعداً بیان خواهد شد به منطوق این آیه، مصرح در قرآن بوده و بر عهده خداوند رحمن است و چنانکه ملاحظه می‌شود در کتاب مستطاب بیان تحقیق یافته است. حدیثی از امام صادق نیز در دست است که فرموده: «البيان اسم الاعظم الذي علم به كل شيء.» (تفسیر صافی، ذیل سورة الرحمن).
- ۱۵- در آثار اوائل ظهور، اصطلاح «بیان» برای معرفت و شناسائی توحید وضع شده. همچنان که «معانی» برای عرفان مقام رسول الله و «ابواب» برای رتبه، علی امیرالمؤمنین و «امامت» برای معرفت مراتب ائمه بکار رفته است (رجوع کنید به صحیفه عدلیه) و اهل البیان که در آثار اولیه مکرر نازل شده ناظر به اهل ایمان حقیقی و اشاره به مؤمنین اولیه ظهور بدیع است. شواهد زیر به فهم مطلب کمک می‌نماید. در خطبه تفسیر بقره است: «فایاکم ایاکم یا اهل البیان اذا نشرت الاشارة من شمس البهائم و دلت الدلالة من امضاء القضاء الخ.» و در ذیل آیه دوم سوره بقره می‌فرماید: «و للتعوی درجات: لاهل الحقیقة و البیان الاعراض عن السبحات و محو الموهومات و هتك الاستار الخ.» و در صحیفه بین الحرمین ذیل باب پنجم درباره روش سلوک و عرفان: «قد شهد الله لاهل البیان بما لا يشهد لاحد سواهم اذ ما سوی اهل تلك اللجة لا ذکر لهم عند ربك في مطلع الظهور... و الا ان كلمة اهل تلك اللجة لاعظم عن

الوصف و البيان و اجلى عن الاشارة و التبيين .» و بالاخره در قیوم الاسماء در سورة الطیر (۸۶) « ما على الناس علم الكلام من بعد البيان فان لكل شيء نبا في ام الكتاب قد كان حول النار مستورا » که می تواند اشارهای به اسم کتاب بیان و بشارتی به تجدید اساس معارف دینی بشمار آید .

۱۶- در تفسیر ابوالفتوح رازی نقل از راوی از امیرالمؤمنین علی آمده که « هر که خواهد که به مکیال تمام مزد بستاند باید که آخر کلام او که از مجلس برخیزد این باشد که بگوید : " و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین . " » (در تفسیر آیه آخر سورة الصافات، جلد هشتم، صفحه ۳۳۰، تصحیح مهدی الهی قمشهای، طهران، چاپخانه علمی، ۱۳۲۵ شمسی).

۱۷- واحد دوّم، باب ۱۴، کتاب بیان فارسی.

۱۸- «در جبلی ساکن گشته که يك كلمه لغت جنت که لسان عربی است نمی توانند اهل آن تکلم نمایند .» (واحد هفتم، باب ۶، کتاب بیان فارسی). بیان مبارک زیر مفهوم لغت جنت را که مقصود از زبان اهل جنت یعنی زبان دین اسلام را روشن می سازد در باب ۱۶ از واحد دوّم آمده است: « آنچه امروز لذت متصور است در این جنت (ظهور حضرت نطقه) است و از جنت قبل کل لذت قطع شده چنانچه حین ظهور رسول الله صلی الله علیه و آله کل لذت از جنت انجلیه قطع شد زیرا که کل جنت در توحید خدا و عرفان و رضای او و طاعت مظاهر امر اوست .»

۱۹- در تفسیر سوره کوثر در بیان معنی حرف «لام» از کلمه الابتر آمده: « من اللّام لم الذاتیات فی قصبات اجمة اللاهوت الّتی غنت فی کلّ شیء بما صاح دیک البهاء علی قبة الزّمان حین الّذی کان طالع الدّهر بسرطان العرش رنت و استرنت و قالت:

بالشمس ما شرق المشية ثم المع	عرجت الى العلى المتطالع
كأنه هو شمس قد اضاء و اطلع	الى جو عماء ما دف فيه طير الاوسع
ينزل منه آيات العماء الساطع	من دون ان يكون له مدير فى السماء الامنع
هذا هو العرش الممتنع الارفع	كان ظهورات الرحمن نزل فى الجنان الاربع
تفرّد فيها اطيّار الطور ثم يتمتع	هذا هو الاسم العظيم الاقطع

این اثر در حدود ۲۰ بیت است و رعایت قواعد عروضی در آن منظور نظر مبارک قرار نگرفته است. این اثر در استقبال قطعه معروف ابوعلی سینا

ورقأ ذات تعزّز و تمّتع	هبطت اليك من المحلّ الارفع
فهى الّتی سفرت و لم تتبرقع	محجوبة عن مقلة كل عارف

که درباره روح انسانی است صادر شده و چنانکه از فحوای آن مشهود است درباره مشیت اولیه و تجلیات آن است.